



بررسی مفاهیم تربیتی در علوم ادبی با تکیه بر کلیله و دمنه

مسلم مظفری

مدرس مدعو دانشگاه پیام نور واحد کهنوج

چکیده

یکی از مسائل قابل تأمل در حوزه تعلیم و تربیت بررسی مسائل تربیتی در کتب ادبی است؛ که این کتاب‌ها، مفاهیم اخلاقی و تربیتی را از طریق داستان، ضرب‌المثل و دیگر مولفه‌های ادبی به مخاطبان خویش انتقال داده‌اند. و کتاب کلیله و دمنه جز کتاب‌های است که در آن مولفه‌های تربیتی به وضوح در کل آن مشهود است. و درباره مفاهیم تعلیم و تربیت در امثال این کتاب‌ها می‌توان گفت که: ۱- بسیاری از تعالیم فرهنگ اسلامی - ایرانی در علوم ادبی نهفته است و این کتاب‌ها بهترین گزینه در امر آموزش به ویژه فرهنگ ملی به حساب می‌آیند. ۲- رشد و تعالی تربیتی انسان و ایجاد مدینه فاضله و روحیه نشاط و همبستگی سازمانی و بهبود خصایص انسانی به کمک علوم ادبی بهتر صورت خواهد گرفت. ۳- آموزش و پرورش کودکان با ادبیات نمایشی و به کمک زبان حیوانات آسان‌تر انجام خواهد گرفت. ۴- زبان داستانی در واقع بهترین زبان و روشی غیر مستقیم و اثرگذار برای انتقال مفاهیم به متربیان است. پایه‌های اصلی نظریه‌های تربیتی شامل ۴۹ مفهوم با کدگذاری باز، و در قالب ۱۶ مولفه با کدگذاری محوری به انجام رسیده است. این مقاله از پژوهش‌های بین رشته‌ای در حوزه تعلیم و تربیت است که به روش تحلیلی کیفی صورت پذیرفته است.

واژگان کلیدی: شاخص‌های تربیتی، علوم ادبی، کلیله و دمنه



مقدمه

ریشه اصلی سعادت هر انسان و پیشرفت هر جامعه‌ای در گرو تعلیم و تربیت صحیح است. و یکی از مسائل مهم بشریت، موضوع تربیت است. و در این میان، مسائل تربیتی و علوم مربوط به آن، ارتباط بسیار نزدیکی با علوم ادبی دارند. آثار ادبی برای انتقال مفاهیم تربیتی به بشر از داستان، مثل، حکایت و ... کمک می‌گیرند تا مفاهیم آموزش و پرورش خود را آسان‌تر و با اقناع بیشتر به هم‌نوعان خود انتقال دهند. و هدف بیان مسائل تربیتی با علوم ادبی این است که بری روی مخاطب سریع‌تر تأثیر بگذارد و او را به اقناع بکشاند و هم‌چنین از مجادله بیشتر جلوگیری کند. و سؤال اصلی این مقاله اینست آیا استفاده از علوم ادبی برای تفهیم مسائل تربیتی راهکار مناسبی است یا خیر؟

به راستی ادبیات فارسی یکی از مهم‌ترین اجزای فرهنگ ایرانی و اساس حفظ هویت ملی است. و انسان‌ها از دوران باستان با حکاکتی‌گری بر روی سنگ‌ها، سعی در قانون‌مند کردن مسائل اطراف خود و فرایند تربیت داشته‌اند. تجارب گذشتگان، تفکر در مورد حوادث، استفاده از راهنمایی‌های بزرگان ادبی و بررسی فرایند مداوم رفتاری آنان در طول زمان و مطالعه آثار و تفکراتشان و مواردی از این دست، از جمله راه‌هایی است که بشر را در مسیر آموزش و پرورش صحیح راهنمایی می‌کند. از قدیم‌الایام تاکنون، توجه به ابعاد گوناگون شخصیت انسان مورد توجه نویسندگان و اندیشمندان بوده‌است. و فرآیند تعلیم و تربیت در گرو انسان‌شناسی به مفهوم جامع کلمه است. «در واقع مشکلاتی که در اغلب موارد تصمیم‌گیری‌های مربوط به برنامه‌های آموزشی و حتی ارزشیابی‌های تحصیلی پیش می‌آید، ناشی از بینش نادرست نسبت به انسان است» (کاردان، ۱۳۷۸). و یکی از هدف‌های تعلیم و تربیت مطلوب، تعالی و رشد انسان در زندگی فردی و اجتماعی است و این مسیر جز با معرفت و حکمت میسر نیست، همان مسیری که در واقع اندیشمندان بزرگ ادبیات فارسی سعی در تحقق آن داشته‌اند. که «برای نهادینه کردن اصول تعلیم و تربیت باید فرهنگ ایرانی را خوب بشناسیم. بدون شک یکی از راه‌های این آشنایی، بررسی و کاوش در متن‌های ادبی است» (پاشایی، ۱۳۹۱). و یکی از مسائل مهم اما فراموش شده در حوزه علوم تربیتی ارتباط این علم با ادبیات است. از دلایل بررسی این امر می‌توان به این نکات اشاره نمود: ۱- تجربه و دانش‌های امروزی، چندان نتوانسته چالش‌های تعلیم و تربیت را پر کند. ۲- عدم بروز و ظهور رفتار فرهنگ غنی ایرانی اسلامی در روابط انسانی و اخلاق فردی. ۳- نداشتن کارکرد علوم ادبی در حوزه تعلیم و تربیت به دلیل نپرداختن به این امر مهم و بی‌توجهی به آن. ۴- ادبیات نظری جای ادبیات کاربردی را گرفته است؛ که نصرالله منشی این امر را در یادگیری گوشزد نموده و می‌گوید که دانش آموز باید اهل فهم و درک و اندیشیدن باشد نه اهل حفظ: «به حقیقت بیاید دانست که فایده در فهم است نه در حفظ... و بر مردمان واجب است که در کسب علم کوشند و فهم آن را در آن معتبر دارند» (منشی، ۱۳۸۴)

به همین دلایل، پرداختن به شناخت مسائل تربیتی در علوم ادبی، تأثیر بسزایی در رشت تعلیم فردی و به دنبال آن جامعه را در پی خواهد داشت. و این مسائل ضرورت بررسی این امر را دوچندان می‌کند. و هدف اصلی این تحقیق، شناسایی مؤلفه-



های تعلیم و تربیت مطلوب در کتاب کلیله و دمنه نصرالله منشی و ارتباط علوم تربیتی با علوم ادبی است. از این رو، در این تحقیق بر آنیم که با مطالعه اثر این نویسنده ارزشمند و بهره‌گیری از گنجینه ادب فارسی، شاخص‌ها و مفاهیم مرتبط با علوم تربیتی را استخراج و طبقه‌بندی نمائیم؛ و همچنین زبان بیان آن را مورد واکاوی قرار دهیم.

در واقع ادبیات در خدمت علوم تربیتی است و از همین طریق است که می‌توان ادبیات را کاربردی نمود و آثار ادبی را با توجه به نیازهای امروز به روزآوری کرد و روحیه نشاط را در جوامع انسانی تزریق نمود و موجب برقراری اتحاد و همبستگی سازمانی را گسترش داد و نگرش مسئولان را وسعت بخشید و گفتار و رفتار درست را در تمام شئون زندگی انعکاس داد. پرسش اصلی: مولفه‌های تعلیم و تربیت صحیح در کلیله و دمنه چیست؟ و نحوه بیان آن برای تأثیر بهتر مخاطب چگونه بوده است؟

و از دلایل مهمی که کتاب کلیله و دمنه برای تحقیق انتخاب شد این بود که، این کتاب برای همه سنین تألیف شده و هر کس زبان حال خود را در آن می‌نگرد و از طرفی مسائل تربیتی کودکان به زبان حیوانات و ادبیات نمایشی بیان شده است. نصرالله منشی در این باره می‌گوید: «اول آن که در سخن مجال تصرف یافتند تا در هر باب که افتتاح کرده آید به نهایت اشباع برسانند؛ و دیگر آن که پند و حکمت و لهو و هزل به هم پیوست تا حکما برای استفادت آن را مطالعت کنند، و نادانان برای افسانه خوانند، و أحداث متعلمان (جوانان یادگیرنده) به ظن علم و موعظت نگرند و حفظ آن برایشان سبک خیزد و چون در حد کفولت رسند و در آن محفوظ تأملی کنند صحیفه دل را پر فواید بینند، و ناگاه بر ذخایر نفیس و گنج‌های شایگانی مظفر شوند (منشی، ۱۳۸۴).

مبانی نظری پژوهش

قدیمی‌ترین تعریف از تربیت در سخنان افلاطون آمده است که می‌گوید: «تربیت، زیباترین چیزی است که در بهترین انسان‌ها آشکار می‌شود» (بصری، ۱۳۹۱). یا «تربیت، مراقبت از نشو و نماي آدمی‌زاد در جریان رشد وی، یعنی در مسیر طبیعی او به سوی کمال است» (شکوهی، ۱۳۶۱). از قرن ششم و به خصوص در آثار امام محمد غزالی، واژه تربیت وارد زبان فارسی شد. «نفس در ابتدا ناقص است ولی قابلیت کمال را دارد و همانا نفس با تربیت و تهذیب اخلاق کامل می‌گردد» (غزالی، ۱۳۶۸). اما در نظام آموزشی جدید، تربیت، معنای سمت و سوی مادی و رسیدن به موقعیت‌های اجتماعی و شغلی به خود گرفته است.

در خصوص ارتباط میان تعلیم و تربیت با ادبیات می‌توان به این امر اشاره نمود که زمینه بسیاری از متون ادب فارسی را آموزه‌های تربیتی و تعلیمی تشکیل می‌دهد. روش‌های تعلیم و تربیت در متون ادبی بیشتر به دو شیوه ظهور پیدا کرده است:



۱- آموزش مستقیم، شامل: پند دادن، تشویق، بیان ضرب‌المثل، امر به معروف و نهی از منکر، احترام، مجادله و گفتگو. ۲- روش غیرمستقیم، که به این صورت است که شاعر یا نویسنده‌ای، مفاهیم تربیتی همچون خداجویی، عدالت، معاد، صداقت، فداکاری، وفاداری، ایثار، دوست داشتن، عشق و ... با زبان داستان بیان می‌کند؛ یعنی اینکه برای تبیین مسائل تربیتی در مخاطب از زبان ادبی برای بیان مضامین استفاده می‌کند؛ تا جذابیت و تأثیر آن بر شنونده دوچندان باشد و او را راحت‌تر و بهتر در مسیر رشد و تعالی قرار دهد. (بهمن، ۱۳۹۶)

از این رو، بسیاری از داستان‌های کلیله و دمنه در حوزه علوم تربیتی گنجانده می‌شوند و تعداد زیادی از حکایت‌ها و داستان‌های که با زبان حیوانات بیان می‌شود محتوای اخلاقی و تربیتی دارند؛ که نصرالله منشی خواسته است اهداف تعلیم و تربیتی خویش را با زبان غیرمستقیم بیان کند. وی علاوه بر تفاوت‌های فردی به تفاوت‌های محیطی و وراثتی نیز توجه داشته و هرگز تنها یک عامل را مؤثر در تعلیم و تربیت نمی‌داند. بدون شک، نصرالله منشی را یکی از آموزگاران بزرگ در حوزه تعلیم و تربیت در بخش‌های کودک و بزرگسالان می‌توان نامید.

نصرالله منشی در آغاز کتاب، این مجموعه را دارای حکمت عملی و آداب زندگی می‌داند و در خصوص مفاهیم تربیتی برای کودکان می‌گوید که: «کتاب کلیله و دمنه از آن مجموعه‌های دانش و حکمتست که مردمان خردمند قدیم گردآورند» هرگونه زبان نوشتند و از برای فرزندان خویش به میراث گذاشتند و در أعصار و قرون متمادی گرامی می‌داشتند، می‌خواندند و از آن حکمت عملی و آداب زندگی و زبان می‌آموختند». (منشی، ۱۳۸۴). در واقع کلیله و دمنه کتابی است که می‌خواهد مفاهیم تربیتی را به زبان ادبیات نمایشی و به کمک حیوانات به کودکان انتقال دهد و تسهیل تربیتی آنان را فراهم کند. شاید می‌دانست که مفاهیم را از طریق نمایش یا همان شبکه پویای امروزی بهتر می‌تواند به کودکان انتقال دهد.

پیشینه پژوهش

کتاب‌های کلیله و دمنه، شاهنامه فردوسی، قابوس‌نامه، کیمیای سعادت، نصیحت الملوک، بوستان، گلستان و مثنوی از جمله آثار در حوزه تعلیم و تربیت هستند. در قرآن کریم، نهج البلاغه و احادیث، مباحث مهمی در زمینه تعلیم و تربیت صحیح آمده است.

محمدحسین سروری در مقاله «نظریات تربیتی سعدی» (۱۳۴۷) به نقد آرای تربیتی سعدی می‌پردازد. وی با بیان مستندات از گفته‌های اندیشمندان و روان‌شناسان مختلف بر تأثیر ناپذیری و عدم تغییر بدکاران اشاره می‌کند. کتاب «تعلیم و تربیت از



دیدگاه سعدی «(۱۳۷۳) نگاشته محمد کریم آزادی است که در آن به پژوهشی جامع و مستقل در خصوص تعلیم و تربیت در آثار سعدی دست زده است. نویسنده ابتدا به بررسی آرای تربیتی از دیدگاه سعدی پرداخته؛ و در فصل‌های بعد، هدف‌ها و روش‌های تعلیم و تربیت از نظر سعدی را تشریح نموده و سپس با بررسی و نقد آرای نویسندگان پیشین، نظرها و دستورهای تربیتی سعدی را دسته‌بندی و تحلیل کرده است. مقاله «مفهوم تربیت از دیدگاه شاعران و ادیبان زبان فارسی» نگارش طیبیه توسلی (۱۳۸۶) است که در آن ضمن تشریح مفاهیم و تعاریف گوناگون تربیت، فرایند تغییر معنایی آن در آثار ادب فارسی از شاهنامه تا دوران کنونی را بررسی کرده است.

روش‌شناسی پژوهش

متون ادبی، بر خلاف تصور بعضی از افراد که بیشتر آن را در حد تفریح و سرگرمی و ذوق و احساس می‌دانند کاربردی هستند. در این مقاله از روش کیفی (و نه کمی) سعی در گردآوری داده‌های اطلاعاتی شده است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی است، چون می‌توان از نتایج آن الگو برداری نمود و به عنوان شاخص‌های علوم تربیتی در حوزه تعلیم و تربیت از آن استفاده نمود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف- کدگذاری باز:

در مرحله اول برای داده‌های مختلف، کدهای مناسبی در نظر گرفته شد و پس از آن این کدها در قالب مقوله‌های ذیل دسته‌بندی شد:

ردیف	نمونه مثال از کلیله و دمنه	وجه تربیتی	وجه ادبی و تأثیرگذاری
------	----------------------------	------------	-----------------------



<p>عبادت به شیرینی و ترس به شمشیر نسبت داده شده است و اینکه بگوید مردم از سلطان بیشتر از قرآن می-ترسند به سخنی از عمر بن خطاب اشاره می کند و مخاطب را به اقناع می کشاند.</p>	<p>این جملات کنایه به حاکمان و مسئولان دارند و می گوید که مردم از عذاب عاجل بیشتر از عذاب آجل می-ترسند و حاکمان باید در اصول شرعی و قوانین دینی و عرفی جدیت به خرج دهند و مردمان را به صرف مجازات دینی که روز معاد اتفاق می افتد رها ن سازند.</p>	<p>۱- که به هیچ تأویل حلاوت عبادت آن اثر نتواند بود که مهابت شمشیر را. ... ما يَزَعُ السَّلْطَانَ أَكْثَرَ مِمَّا يَزَعُ الْقُرْآنَ (منشی، ۱۳۸۴: ۴).</p>	<p>-۱</p>
<p>استفاده از تشبیه برای انتقال مفاهیم.</p>	<p>گاهی در امور تربیتی باید توسل به مجازات و پاداش شد زیرا برای نادان، شیر جنگل با شیر حمام فرقی ندارد.</p>	<p>۲- نزد آن کش خرد نه همخوابه ست / شیر بیشه چو شیر گرمابه ست (همان: ۵)</p>	<p>-۲</p>
<p>با استفاده از موازنه، طرد و عکس و ایجاز مطلب، مفاهیم بسیاری به مخاطب انتقال می دهد و می توان آن را از ضرب المثل هایی به حساب آورد که در نهایت ایجاز مخاطب را به اقناع می کشد.</p>	<p>کشورداری بدون دین میسر نیست چون دین است که مفاهیم عدالت، درستی، صداقت و... را به انسانها انتقال می دهد.</p>	<p>۳- دین بی ملک ضایع است و ملک بی دین باطل. (همانجا)</p>	<p>-۳</p>
<p>علما تشبیه به پرچی بزرگ شده اند که مردم می توانند در سایه و عنایت آنان قرار گیرند و نویسنده با</p>	<p>پیشرفت علمی و ترقی معنویات در سایه علما صورت می گیرد و متربی باید</p>	<p>۴- آن کس که در سایه رایت علما آرام گیرد تا به آفتاب کشف نزدیک افتد. (همانجا)</p>	<p>-۴</p>



	حق مربی را نگه دارد.	تصویرسازی سایه خواسته است که خنکی راه هدایت را روشن سازد.
۵-	دعوت به بخشش حاکمان و مسئولان.	کیما به چیزهای بی ارزش، ارزش می دهد و آن را دو برابر می کند؛ عدالت و سیاست در این مثال تشبیه به کیما شده است و نویسنده بیشتر شدن اموال را در گرو عدالت می - داند و آن را کیمای مال و جان محسوب می کند.
۶-	عدالت سبب افزونی محصولات و آبادانی شهرها و از بین رفتن فقر و رونق و پیشرفت کشور خواهد.	نویسنده برای اینکه یک امر را مهم و قابل توجه نشان دهد چند صفت پشت سر هم رت برا آن ترسیم می - کند (تنسیق الصفات) - دارای تضاد نیز هست.
۷-	تشویق متربی به کوشش و تلاش.	رفعت و بزرگی به جایگاه بلندی تشبیه شده که هر کس که طالب آن است بیشتر باید تلاش کند تا به بلندی های آن دست یابد.
۸-	اعتدال و حساب و کتاب در بخشش، و ناامید نکردن اطرافیان از خود.	ای پسر نعمت بر لشکر فراخ مکن که از تو بی - نیاز شوند، و کار هم تنگ مگیر که برمند، عطایی به رسم می ده در حد اقتصاد، و منعی نیکو بی تنگ خوئی می فرمای. (۲۲)
۹-	گاهی انسان، با تجربه پخته می شود.	التَّجَارِبُ لِقَاحُ الْعُقُولِ (تجارب محل لقاح عقل هاست). (۲۸)
		تجربه به عمل لقاح تشبیه شده که محل پختگی و رسیدگی عقل -



هاست.			
در نهایت اختصار، مطالب و معانی بسیاری را به مخاطب انتقال می‌دهد (ایجاز).	برای تربیت سه عامل مؤثر است: ۱- استعداد ذاتی ۲- تلاش متربی ۳- استفاده از تجارب دیگران.	و هر که از فیض آسمانی و عقل غریزی بهرمنند شد و بر کسب هنر مواظبت نمود در تجارب متقدمان تأمل عاقلانه واجب دید آرزوهای دنیا بیابد و در آخرت نیکبخت خیزد. (همانجا)	۱۰-
جملات در عین کوتاهی و ایجاز دارای فصاحت و بلاغت تمام هستند.	خصلت‌های انسان خوب را بر می‌شمرد و از طریق سخنگویی و رازداری را برای متربی تعلیم می‌دهد و خاموشی را مایه وقار می‌داند.	و عقل به هشت خصلت بتوان شناخت: اول رفق و حلم؛ دوم خویش‌شناسی؛ و سوم طاعت پادشاهان...؛ چهارم شناختن موضع راز و وقوف بر محرمت دوستان؛ و پنجم مبالغت در کتمان اسرار خویش و از آن دیگران؛ و ششم... و اصحاب را به سخن نیکو به دست آوردن؛ و هفتم بر زبان خویش قادر بودن و سخن به قدر حاجت گفتن؛ و هشتم در محافل، خاموشی را شعار ساختن و از اعلام چیزی که نپرسند و اظهار آنچه به ندامت کشد احتراز لازم شمردن (۳۲).	۱۱-
دوستی به مکان و جایگاه رفیعی تشبیه شده است که به دست آوردن آن به آسانی میسر نیست.	مقام و منزلت برای دوست و دوستی.	هندو گفت: هیچ چیز به نزدیک اهل خرد در منزلت دوستی نتواند بود (۳۶).	۱۲-
ادب را به نوری تشبیه کرده است که دل را روشن می‌کند و تجربه را به دارویی تشبیه می‌نماید که انسان را از هلاک به سبب جهالت می‌رهاند و از برای تأکید سخن خود ادب را به	ترغیب به دانش‌ورزی و کردار نیک و داشتن ادب و تجربه اندوژی.	و زنده را از دانش و کردار نیک چاره نیست و نیز نور ادب، دل را روشن می‌کند و داروی تجربت، مردم را از هلاک جهل برهاند؛ چنان که جمال خُرشید روی زمین را منور گرداند و آب زندگانی، عمر جاوید دهد (۴۰).	۱۳-



<p>رخسار تابناک خورشید، و تجربه را به آب حیات زندگی بخش تشبیه می کند.</p>			
<p>علم به درخت پر ثمری تشبیه شده که هم خود ارزشمند است و هم به دیگری ثمر می دهد و هم دیگران در سایه او به آرامش می رسند.</p>	<p>تأکید به اهمیت علم در نزد متری.</p>	<p>و علم به کردار نیک جمال گیرد که میوه درخت دانش، کم آزاری و نیکوکاری است (همانجا).</p>	<p>-۱۴</p>
<p>نصرالله منشی برای اهمیت علم همراه با عمل از تمثیل کوتاهی بهره می گیرد که در صورت عمل نکردن به آن، شخص گرفتار دزد جهل می شود و امراض و بیماری نادانی او را از بین خواهد برد.</p>	<p>دانش سبب حفظ انسان از آسیب ها و امراض می گردد. و علم بدون عمل ارزش ندارد.</p>	<p>و هر که علم بداند و بدان کار نکند به منزلت کسی باشد که مخافت راهی می شناسد اما ارتکاب کند تا به قتل و غارت مبتلا گردد؛ یا بیماری که مضرت خوردنی ها می داند و بران اقدام می نماید تا در معرض تلف افتد (همانجا).</p>	<p>-۱۵</p>
<p>مردم رعایت قانون را از اهل قانون بیشتر توقع دارند تا مردم عامه. تشبیه باسوادن به بینایان و بی سوادان با نابینایان.</p>	<p>زشتی و عیب برای دانایان و اهل علم؛ بسیار دردناک تر از نادانان است.</p>	<p>و هر آینه، آن کسی که زشتی چیزی بشناخت اگر خویشتن در آن افکند نشانه تیر ملامت شود چنان که دو مرد در چاه افتند یکی بینا و دیگر نابینا؛ اگرچه هلاک میان هر دو مشترکست اما نابینا به نزدیک اهل خرد و بصارت، مقبول تر باشد (همانجا).</p>	<p>-۱۶</p>
<p>دانش به چشمه ای تشبیه شده که زلال و زندگی بخش است.</p>	<p>مربی باید خود اول از علم بهره گیرد و اهل عمل باشد بعد به دیگران تعلیم دهد.</p>	<p>و فایده در تعلم حرمت ذات و عزت نفس است، پس تعلیم دیگران؛ که اگر به افادت مشغول گردد و در نصیب خویش غفلت ورزد همچون چشمه ای باشد که از آب او، همه کس را منفعت حاصل می آید و او از آن بی خبر (همانجا).</p>	<p>-۱۷</p>



<p>استفاده از موازنه و ترصیع و مزدوج جهت خوش آهنگ و دلنشین کردن کلمات و تأثیر گذاری بهتر.</p>	<p>فرجام اندیشی در کارها خصوصاً در کارهای بد.</p>	<p>و عاقل باید که در فاتحت کارها، نهایت اغراض خویش پیش چشم دارد و پیش از آن که قدم در راه نهد مقصد، معین گرداند، و الا واسطه آن به حیرت کشد و خاتمت به هلاک و ندامت (۴۰).</p>	<p>۱۸-</p>
<p>نصرالله منشی برای اینکه از اهمیت عمل به خاطر رضای خدا و در عین حال از حاصل درآمد دنیوی آن عمل سخن بگوید از تمثیل گندم- کاری استفاده می کند که غرض از کاشت گندم، به دست آمدن دانه است اما در پی آن کاه هم نصیب او خواهد شد. یعنی کسی که به خاطر آخرت، عملی را انجام دهد در پی آن بهره های دنیوی هم نصیب او خواهد شد.</p>	<p>در پی هر علمی و کاری باید خدا در نظر گرفته شود تا خدا به کار تو برکت دهد.</p>	<p>و در کتب طب آورده اند که فاضل تر اطبا آنست که بر معالجت از جهت ذخیره آخرت مواظبت نماید، که به ملازمت این سیرت، نصیب دنیا هر چه کامل تر بیابد و رستگاری عقبی مدخر گردد؛ چنان که غرض کشاورز در پراکند تخم، دانه باشد که قوت اوست اما کاه که علف ستوران است به تبع آن هم حاصل آید (۴۴).</p>	<p>۱۹-</p>
<p>تشبیه ظاهر به لباس رویه، و باطن به لباس زیرین، و پرهیز از دورویی و از اینکه باطن با ظاهر فرق داشته باشد.</p>	<p>هماهنگی در ظاهر و باطن و اتحاد در بین علم و عمل.</p>	<p>چون محاسن صلاح بر این جمله، در ضمیر متمکن شد خواستم که به عبادت متحلی گردم تا شعار و دثار من متناسب باشد و ظاهر و باطن به علم و عمل آراسته گردد (۵۲).</p>	<p>۲۰-</p>
<p>استفاده از نماد برای بیان پرهیز از دنیا. دنیا نماد چاه پر از آفت. موشان سفید و سیاه و بریدن شاخه ها نماد شب و روز هستند که شاخه عمر آدمی به مرور زمان را می برند. چهار مار درون چاه نماد طبایع</p>	<p>پرهیز انسان از توجه به دنیا و لذت پرستی و شهدهای زودگذر آن، و همچنین پرهیز از عدم توجه به آخرت.</p>	<p>و هر که همّت در آن (امور دنیا) بست و مهمّات آخرت را مهمل گذاشت همچون آن مرد است که از پیش شتر مست بگریخت و به ضرورت خویشتن در چاهی آویخت و دست در دو شاخ زد که بر بالای آن روئیده بود و پای هاش بر جایی قرار گرفت. در این میان بهتر</p>	<p>۲۱-</p>



<p>چهارگانه وجود آدمی هستند. چشیدن شهد درون چاه نماد تلذذ زودگذر آدمی از دنیا پر از خطر، و فرو رفتن و سرگرم شدن به لهُو و لعب آن و عدم توجه به آخرت. اژدها سمبل مرگ است که انسان را در دهان خود می‌بلعد و از دنیا به آخرت رهسپار می‌سازد.</p>		<p>بنگریست هر دو پای بر سر چهار ماه بود سر از سوراخ بیرون گذاشته بودند نظر به قعر چاه افکند اژدهای سهمناک دید دهان گشاده و افتادن او را انتظار می‌کرد. به سر چاه التفات نمود موشان سیاه و سپید، بیخ آن شاخه‌ها دایم بی‌فتور می‌بریدند. و او در اثنای این محنت، تدبیری می‌اندیشید و خلاص خود را طریقی می‌جست. پیش خویش زنبورخانه‌ای و قدری شهد یافت، چیزی از آن به لب برد، از نوعی در حالات آن مشغول گشت که از کار خود غافل ماند و نه اندیشید که پای او بر سر چهار مار است و نتوان دانست کدام وقت در حرکت آیند، و موشان در بریدن شاخه‌ها جدّ بلیغ می‌نمایند و البتّه فتوری بدان راه نمی‌یافت، و چندان که شاخ بگسست در کام اژدها افتاد. و آن لذّت حقیر بدو چنین غفلتی راه داد و حجاب تاریک برابر نور عقل او بداشت تا موشان از بریدن شاخ‌ها بپرداختند و بی‌چاره حریص در دهان اژدها افتاد(۵۶).</p>	
<p>دارنده بدون بخشش و بخیل مانند درویشی هستند که گویی هیچ چیزی از خود ندارند.</p>	<p>بخشش و رعایت حقوق باید به جا و مناسب باشد.</p>	<p>اگر مواضع حقوق را به امساک نامرئی گذارد و به منزلت درویشی باشد از لذّات نعمت محروم(۶۰).</p>	<p>۲۲-</p>
<p>استفاده از سخنان مشهور و ضرب-المثل برای اقناع.</p>	<p>هرکسی را بهر کاری ساختند.</p>	<p>دروذگری کار بوزینه نیست(۶۲).</p>	<p>۲۳-</p>



<p>انسان با جوهر به گهر و بی جوهر به خاکستر به جامانده از آتش (اجداد) تشبیه شده که خود ارزشی ندارند و فقط به اجداد خویش می‌نازند و افتخار می‌کنند.</p>	<p>انسان باید به جوهر و ذات خود افتخار کند نه به اصل و نسب.</p>	<p>نسبت از خویشتن کنم چو گوهر/ نه چو خاکستم کز آتش زاد(۶۵)</p>	<p>۲۴-</p>
<p>استفاده از سخنان مشهور یا همان ضرب المثل برای اقناع مخاطب.</p>	<p>هیچ موجودی بی حکمت آفریده نشده است و یک جا به کار آید.</p>	<p>کاندرین ملک چو طاووس به کار است مگس (۶۸).</p>	<p>۲۵-</p>
<p>استفاده از تشبیه در جهت اثبات امر تغییرپذیری انسان در اثر تعلیم و تربیت.</p>	<p>در اثر تعلیم و تربیت افراد تحوّل پیدا می‌کنند.</p>	<p>من هم چو خار و خاکم، تو آفتاب و ابر/ گل‌ها و لاله‌ها دهم ار تربیت کنی (۷۹).</p>	<p>۲۶-</p>
<p>درشتی و ناهمواری پهلوها به پوستی تشبیه شده که آهنگر، سوزن‌های خویش را در آن فرو برده است. و کنایه از سختی کشیدن در ناملايمات.</p>	<p>پخته شدن انسان به وسیله تجارب.</p>	<p>شَرُّ جَنبِي كَأَنِّي مُهْدَأُ/ جَعَلَ الْقَيْنُ عَلَى الدُّفِّ اِبْرَ (۷۴)</p>	<p>۲۷-</p>
<p>استفاده از زبان شعر و تمثیل برای فهماندن مقام و منزلت معلم.</p>	<p>احترام به طیب مساوی با درمان است و احترام به معلم مساوی است با دانایی.</p>	<p>فَاصْبِرْ لِدَائِكَ إِنْ جَفَوْتَ مُعَالَجاً/ وَأَقْنِعْ بِجَهْلِكَ إِنْ جَفَوْتَ مُعَلِّمًا (۹۴). شکیبا باش بر دردت اگر جفا کنی درمان کننده را/ و خرسند باش به نادانی اگر جفا کردی استاد و آموزنده را</p>	<p>۲۸-</p>
<p>تشبیه رحمت به باران، و بلا به گرد و غبار که به آسانی فرو نمی‌نشیند. ۲.</p>	<p>پرهیز از بلا و روشن کردن فتنه.</p>	<p>باران دو صد ساله فرو نشانند/ این گرد بلا را که تو انگیخته‌ای (۱۱۴).</p>	<p>۲۹-</p>
<p>تشبیه نادانی به بیماری صعب‌العلاج یا بدون علاج که دارویی برای آن</p>	<p>دوری از انسان‌های جاهل و عدم تلاش برای اثبات امری</p>	<p>وَدَاءُ النَّوْكَ لَيْسَ لَهُ (بیماری سفاهت و کودنی را دارویی نیست) (۱۱۸).</p>	<p>۳۰-</p>



تجویز نشده و غیر قابل درمان است.	به آنان.		
سرمایه‌ای که از رفاقت با اشرار به دست تو می‌آید چیزی جز بدبختی نیست و همنشینی با دوست خوب مانند کیمیاست که سرمایه تو را دو برابر خواهد کرد.	دقت در انتخاب دوست به خاطر تأثیرپذیری از آنان.	صحبت اشرار مایه شقاوت است و مخالطت اخیار، کیمیای سعادت (۱۲۳).	۳۱-
تشبیه کار بد به خار و کار خوب به انگور.	نتیجه هر کاری به کننده آن کار بر می‌گردد و تشویق انسان به کارهای نیک.	مَنْ يَزْرَعِ الشَّوْكَ لَا يَحْصُدُ بِهِ عِنْبًا (هر کس که خوار بکارد از آن انگور درو نمی‌کند) (۱۲۵).	۳۲-
ظلم به مانند چراگاهی پر از خار است که برای کننده آن نیز ناگوار است.	پرهیز از ستم.	وَالْبَغِيُّ يُصْرَعُ أَهْلَهُ / وَالظَّالِمُ مَرْتَعُهُ وَخَيْمٌ	۳۳-
درویشی کردن به مانند رویدن درخت در شوره زار است که چیزی جز شوربختی و مرگ عاید او نمی‌شود.	پرهیز از درویشی و گدایی و تشویق به کار و تلاش.	و حقیقت بدانند که درخت، که در شورستان روید و از هر جانبی آسیبی می‌یابد، نیکو حال تر از درویشی است که به مردمان محتاج باشد که مذلت حاجت، کار دشوار است (۱۷۵).	۳۴-
خوش آهنگی و دل‌نشینی کلمات به واسطه سجع متوازن و متوازی.	دوری از دروغ و فحش و مال حرام.	و علما گویند «و صمت گنگی بهتر از بیان دروغ، و سمت کندزفانی اولی تر از فصاحت به فحش، و مذلت درویشی نیکوتر از عزت توانگری از کسب حرام» (۱۷۶).	۳۵-
قناعت به صحرائی تشبیه شده که چشم هر تماشاگری را سیر می‌کند و به اقتناع می‌کشاند.	تشویق مرتبی به قناعت.	گرت زهت همی باید به صحرای قناعت شو / که آنجا باغ در باغ است و خوان در خوان و با در با. (۱۷۸).	۳۶-
برخورد درست با دشمن به مانند بازی کردن درست در شطرنج است	باید در برخورد با دشمن تدبیر داشت و با سیاست از	(ملوک) کعبتین دشمن به لطف باز مالند و مال را سپر ملک و ولایت و رعیت گردانند (۱۹۴).	۳۷-



که در صورت بازی صحیح، دشمن مغلوب خواهد شد.	جنگ گسترده جلوگیری نمود.		
اگر زبان کنترل نشود خطرآفرین است. بسیارگو به جمع کننده هیزم در شب تشبیه شده است که در تاریکی خوب از بد را تشخیص نمی‌دهد و خار نیش زبان او را زمین گیر خواهد کرد.	پرهیز از پرگویی.	المکثارُ كحاطب اللیل (بسیار گویی چون گردآورنده هیزم در شب است)(۲۱۱).	۳۸-
استفاده از ضرب‌المثل	لزوم پاداش و مجازات برای تربیت.	المكافاهُ فی الطبیعهِ واجبهُ (پاداش دادن و مجازات کردن در طبیعت واجب است)(۲۲۳).	۳۹-
تشبیه منافقان و دورویان به مار ماهی، که نه مار است در معنی واقعی و نه ماهی.	پرهیز از نفاق و دورویی.	به مار ماهی مانی، نه این تمام و نه آن تمام! منافقی چه کنی؟ مار باش یا ماهی(۲۲۶)	۴۰-
استفاده از ضرب‌المثل. دنیا، با حلوی شیرین انسان را می‌فریبد تا متوجه سیر متعفن و بدبوی آن نشود و به مرور زمان با بوی تعفن انسانیت را از بین ببرد.	عدم توجه به مهر و محبت دنیا.	هست مهر زمانه پر کینه/ سیر دارد میان لوزینه(۲۴۰)	۴۱-
بارنامه در مصراع دوم کنایه از لاف و گزاف تاجران در تجارت است که می‌گویند در فلان شهر و فلان مکان، فلان مقدار کالا داریم و این سخنان همه از روی لاف و گزاف است و نه واقعیت.	آماده کردن توشه برای آخرت و عدم توجه به توشه‌های توخالی دنیوی و لاف‌نامه‌های زودگذر و پوچ تاجران آن.	بار مایه گزین که برگذرد/ این همه بارنامه روزی چند(۲۴۱)	۴۲-
خوش آهنگ و دانشین بودن کلمات	صبر و حوصله در کارها و به	هر که قاعده کار خود بر ثبات حزم و وقار	۴۳-



به واسطهٔ سجع	پایان کار اندیشیدن.	ننهد، عواقب کار او مبنی بر ملامت و مقصور بر ندامت باشد (۲۶۰).	
تغییرات و تحولات دوستی و دشمنی به ابر بهاری تشبیه شده است. این ابر گاه می‌بارد و گاهی نمی‌بارد. پس در دوستی و دشمنی حدّ اعتدال را نگه دار. چون ممکن است روزی دوست تو دشمن و دشمن تو دوست گردد.	پایدار نبودن دوستی و دشمنی برای همیشه.	برهمن جواب داد که: اغلب دوستی و دشمنی‌گی، قایم و ثابت نباشد، و هر آینه بعضی به حوادث روزگار استحالت پذیرد. و مثال آن چون ابر بهاریست که گاه می‌بارد و گاه آفتاب می‌تابد و آن را دوامی و ثباتی بیشتر صورت نبندد (۲۶۶).	-۴۴
عقل به مانند سایه‌ای است که انسان از گزند آفتاب حوادث به آن پناه می‌برد و تفکر و خرد فرمانده‌ای است که می‌توان در پناه آن در امان بود.	اهمیت دادن به عقل و خرد.	و هیچ پناهی مرا از سایهٔ عقل و هیچ کس دستگیرتر از سالار خرد نیست (۲۶۸).	-۴۵
وفای ستمگران به چهره‌ای تشبیه شده که همیشه مجروح و پاره پاره است یعنی بی‌وفاست. خوش آهنگ و دلنشین بودن جملات با سجع و واج آرایبی مشهود است.	عدم همنشینی و اعتماد به مستکبران و ستمگران روزگار به دلیل بی‌وفایی، بی‌معرفتی، بی‌اخلاصی، بی‌عفوی و... .	بیچاره کسی است که به صحبت جباران مبتلا گردد، که عقده عهد ایشان سخت زود سست شود و همیشه رخسار وفای ایشان به چنگال جفا، مجروح باشد نه اخلاص و مناصحت نزدیک ایشان محلی دارد و نه دالت خدمت و ذمام معرفت در دل ایشان وزنی آرد، محبت و عداوت ایشان بر حدوث حاجت و زوال منفعت مقصور است؛ عفو در مذهب انتقام محظور شناسد، اهمال حقوق در شرع نخوت و جبروت مباح پندارند، ثمرهٔ خدمت مخلصان کم یاد دارند، و عقوبت زلت جانیان دیر فراموش کنند، ارتکاب‌های بزرگ را از دست خویش	-۴۶



		خرد و حقیر شمزند، و سهوهای خرد از جهت دیگران بزرگ و خطیر دانند (۲۸۵).	
کینه خاموش به زغال خاموش تشبیه شده است که در اثر هیزم سخن- چینی افروخته می‌گردد و جهانی را در خود می‌سوزاند.	پرهیز از سخن‌چینی و کینه افروزی.	و مثل کینه در سینه، مادام که مهیجی نباشد چون انگشت (زغال) افروخته بی‌هیزم است، اگر چه حالی اثر ظاهر نگرداند چندان که بهانه‌ای یافت و علتی دید بر آن مثال که آتش در خف افتد فروغ خشم بالا گیرد و جهانی را بسوزد و دود آن بسیار دماغ‌های تر را خشک گرداند (۲۹۵).	۴۷-
بین مرافقت و رفیقان جناس اشتقاق و بین وحشت و غربت، شعار و دثار سجع متوازی وجود دارد. تضاد و واج آرایبی نیز زیبایی جملات را دو چندان نموده است.	به متربی یاد می‌دهد که سرمایه انسان در پنج خصلت نهفته است: ۱- دوری از بدی ۲- دوری از شک و خطر ۳- با اخلاق بودن ۴- ظاهر و باطن خود را آراسته به کم آزاری و نیکوکاری کردن ۵- حسن ادب.	چه هر که پنج خصلت را بضاعت و سرمایه خویش سازد به هر جانب که روی نهد اغراض پیش او متعذر نگردد و مرافقت رفیقان ممتنع نباشد و وحشت غربت او را به مؤانست بدل گردد: از بدکرداری باز بودن، و از ریت و خطر پهلو تهی کردن، و مکارم اخلاق را لازم گرفتن، و شعار و دثار خود کم آزاری و نیکوکاری ساختن، و حسن ادب در همه اوقات نگاه داشتن (۳۰۱).	۴۸-
جملات کوتاه و دارای ایجاز هستند. شیوایی و اثرگذاری سخن مشهود است.	۱- بهره‌بری از مال و بخشش مال ۲- سازش با همسر ۳- اطاعت از پدر و مادر ۴- همراهی با دوستان در سختی و شدت ۵- نرسیدن بی- گناهان از پادشاهان و در عین حال ترسیدن گناهکاران از پادشاهان ۶- و تلاش برای	و بیاید دانست ضایع‌ترین مال‌ها آن است که از آن انتفاع نباشد و در وجه انفاق ننشیند، و نابکارتر زنان اوست که با شوی نسازد، و بتر فرزند آنست که از طاعت مادر و پدر ابا نماید و همّت بر عقوق مقصود دارد و لثیم دوستان اوست که در حال شدت و نکبت، دوستی و صداقت را مهمل گذارد، و غافل‌تر ملوک آنست که بی‌گناهان ازو ترسان باشند و در	۴۹-



	برقرای امنیت در شهر.	حفظ ممالک و اهتمام رعایا نکوشد، و ویران تر شهرها آنست که درو امن کم اتفاق افتاد (۳۰۲).
--	----------------------	---

ب- کد گذاری محوری:

در کد گذاری محوری به مقایسه مفاهیم تربیتی این کتاب پرداخته و مفاهیم مشترک آن‌ها بیرون آورده شده است. گفتنی است که برخی از مفاهیم می‌تواند وجوه مشترکی با شاخصه‌های تعریف شده دیگر داشته باشد.

ردیف	نمونه مثال از کلیله و دمنه	وجه تربیتی	وجه ادبی و تاثیر گذاری
۱-	شگال جواب داد که: ای دوستان و برادران، از این ترهات در گذرید، و چون می‌دانید که دی گذشت و فردا در نمی‌توان یافت از امروز چیزی ذخیره کنید که توشه راه را شاید، که این دنیای فرینده سراسر عیب است، هنر همین دارد که مزرعت آخرت است، در وی تخم می‌توان افکند که ریع آن در عقبی مهنا تر می‌باشد (۳۱۰).	توصیه به غنیمت شمردن فرصت و دل نیستن به آینده و حسرت نخوردن به گذشته و آماده کردن توشه برای آخرت.	دنیا به مانند مزرعه‌ای تشبیه شده که توشه و محصول آن برای آخرت جمع آوری می‌شود و دنیا سراب فرینده‌ای بیش نیست.
۲-	و پوشیده نماند که حرمت زن به شوی متعلق است، و عزت فرزند به پدر، و دانش شاگرد به استاد، و قوت سپاه به لشکرکشان قاهر، و کرامت زاهدان به دین، و امن رعیت به پادشاه، و نظام کار مملکت به تقوی و عقل و ثبات و عدل؛ و عمدۀ حزم شناختن اُتباع است و هر یک را در محل و منزلت او اصطناع فرمودن، و بر مقدار هنر و کفایت ایشان تربیت کردن (۳۱۹).	احترام دیگران به زن در گرو احترام شوهر به اوست، و دانش شاگرد نشان دانش استاد است. ... و دادن مسئولیت به افراد باید به تناسب استعداد هر کس به آن داده شود تا کارها به نظام باشد.	ایجاز به حذف صورت گرفته که نهایت اختصار و معانی در آن نهفته است و سجع‌های متعدد آهنگ و لطافت خاصی به جملات بخشیده است.
۳-	از تقریب هشت کس حذر واجب است: اول آن که نعمت منعمان را سبک دارد و کفران آن سبک دست دهد. و دوم آن که بی‌موجبی در خشم شود. سوم آن که به عمر دراز مغرور باشد و خود را از	مربی، متری را از هشت کس پرهیز می‌دارد: ۱- کافر به نعمت ۲- خشمگینان بی- دلیل ۳- مغروران ۴- حيله-	نصیحت در نهایت اختصار و ایجاز، و استفاده از تشبیه و کنایه. رشته با خویشتن فراخ



<p>گرفتن کنایه از افسار گسیخته و سرکش بودن</p>	<p>گران ۵- دشمنی ورزان ۶- خطا ورزان و هوس بازان ۷- تهمت زنان به مردم ۸- وقیحان.</p>	<p>رعایت حقوق بی نیاز پندارد. چهارم آن که راه قطعیت و غدر پیش او گشاده و سهل نماید، و پنجم آن که بنای کارهای خود بر عداوت نهاد نه به راستی و دیانت، و ششم آن که در ابواب سهو، رشته با خویشتن فراخ گیرد و قبله دل، هوا را سازد، و هفتم آنکه بی سببی در مردمان بدگمان گردد و بی دلیل روشن، اهل ثقت را متهم گرداند. هشتم آن که به قلت حیا مذکور و به شوخی و وقاحت مشهور (۳۲۶)</p>	
<p>استناد جملات به تلمیح سبب اعتماد مخاطب بر خواننده می شود. - سجع - های متوازی و مطرف</p>	<p>روی آوردن به هشت کس واجب است: ۱- شاکر به نعمت ۲- وفاداران ۳- احترام گذاران به معلمان و اساتید ۴- دورشوندگان از حيله ۵- و الکاظمین الغیظ ۶ - بخشش کنندگان ۷ - حیاداران ۸ - دور شوندگان از فحشا.</p>	<p>و بر هشت کس اقبال فرمودن فرض است: اول آن که شکر احسان لازم شمرد، و دوم آن که عقده عهد او به حوادث روزگار وهنی نپذیرد، و سوم آن که تعظیم ارباب تربیت و مکرمات واجب بیند، و چهارم آن که از غدر و فجور پرهیزد، پنجم آن که در حال خشم بر خویشتن قادر باشد، ششم آن که به هنگام طمع، سخاوت ورزد، هفتم آنکه اذیال شرم و صلاح تمسک نماید، هشتم آن که از مجالس اهل فسق و فحش پهلو تهی کند (۳۲۶).</p>	<p>-۴</p>



<p>معانی بسیار در الفاظ اندک نهفته است (ایجاز). بین کلمات مفسد و مصلح، و بخیل و اصحاب مروّت تضاد وجود دارد.</p>	<p>سه گروه به آرزوی شان نخواهند رسید: ۱- ثواب و اجر به بدون عمل کنّان نخواهد رسید و شامل مفسدان نمی‌گردد. ۲- جوانمردی بدون بخشش میسر نیست. ۳- نیک مردی در صورت ممکن است که انسان شهوت، غضب، حرص، حسد و صفات غیر انسانی را کنار بگذارد.</p>	<p>سه تن آرزوی چیزی برند و نیابند: مفسدی که ثواب مصلحان چشم دارد؛ و بخیلی که ثنای اصحاب مروّت توقع کند؛ و جاهلی که از سر شهوت و غضب و حرص و حسد برنخیزد؛ و تمنّی آتش باشد که جای او با جای نیک مردان برابر بود (۳۸۱).</p>	<p>۵-</p>
<p>سجع کلمات را خوش آهنگ و دلنواز نموده است.</p>	<p>۱- عدم اعتماد به لاف زن ۲- عدم اعتماد به کسانی که زود خشمگین می‌شوند. ۳- امور مهم را از افراد غیر اهل پوشاندن.</p>	<p>سه تن به ناحق در کارها شرع کنند: آنکه تصلّف دروغ بسیار کند و فعل و قول را به تحقیق نرساند؛ و کاهلی که بر خشم قادر نباشد؛ و پادشاهی که هر کسی را بر عزایم، خاصّه در کارهای بزرگ اطلاع دهد (۳۸۴).</p>	<p>۶-</p>
<p>تضاد سبب برجسته سازی جملات شده است.</p>	<p>شادی عاقل در گرو دوری از جاهل است؛ و راز شادی بد اخلاق در دوری از اخلاق بد خویش است.</p>	<p>دو تن همیشه از شادکامی بی‌نصیب باشند: عاقلی که به صحبت جاهلان مبتلا گردد؛ و بدخوئی که از اخلاق ناپسندیده خود به هیچ تأویلی خلاص نیابد (۳۸۴).</p>	<p>۷-</p>
<p>ترصیع و موازنه بین کلمات چفت و بست ایجاد نموده است.</p>	<p>عدم اعتماد به مار، حیوان درّنده و گرسنه، پادشاه ظالم و حاکم بی‌دین.</p>	<p>ثقت خردمندان به چهار کس مستحکم نگردد: ماری آشفته، و ددی گرسنه، و پادشاهی به رحمت، و حاکمی بی‌دیانت (۳۸۵).</p>	<p>۸-</p>
<p>دارای سجع متوازن- تضاد.</p>	<p>آمیزش و معاشرت چهار چیز با هم دشوار است: نیکوکار و بدکار، و خیر و شرّ، نور</p>	<p>مخالطت چهار چیز متعذّر است: مصلح و مفسد، و خیر و شرّ، و نور و ظلمت، و روز و شب (۳۸۵).</p>	<p>۹-</p>



	و ظلمت و روز و شب.		
مانند شعر کلمات کاملاً هم وزن و قافیه دار هستند.	اعتماد به این چهار مورد شایسته نیست: دزد جسور و بی باک، چاکران درشت خو، دشنام دهنده آزارسان، نادان کم عقل.	چهار کس را اهلیت اعتماد نتواند بود: دزدی مقتحم، حشم ستنبه، فحاش آزرده، اندک عقلی نادان (۳۸۶).	۱۰-
بین جمال رایق با عفافی شایع تضمین مزدوج وجود دارد. تضاد و واج آرایبی نیز مشهود است.	صفات زن خوب: پاک ذات، جمال زیبا، پاکدامن، دانا، صبور، یک دل، نصیحت کننده، رعایت حرمت شوهر در حضور و غیبت، همراهی با همسر در خیر و شر، فایده بسیار در همنشینی با او.	از جهت پنج نوع زنان غم خوردن مباح است: آن که اصلی کریم و ذات شریف دارد و جمال رایق و عفاف شایع؛ و آن که دانا و بردبار و مخلص و یک دل باشد؛ و آن که در همه ابواب نصیحت بر زد و حضور و غیبت جفت بی رعایت نگذارد؛ و آن که در نیک و بد و خیر و شر موافقت و انقیاد را شعار سازد؛ و آن که منفعت بسیار در صحبت او مشاهدت افتد (۳۸۹).	۱۱-
تأثیر گذاری کلمات بر مخاطب به واسطه سجع متوازی و مطرف.	مال نزد چهار تن از جان برای آن‌ها عزیزتر است: ۱- مزدوران جنگی ۲- دزدان مال‌های اندک ۳- بازرگانان دریا ۴- کارکنان معادن سخت.	مال نزدیک چهار تن از جان عزیزتر است: آن که جنگ برای اجرت کند؛ و آن که زیر دیوارهای گران برای دانگانه، سمج گیرد؛ و آن که بازرگانی دریا کند؛ و آن که در معادن مزدور ایستد (۳۸۷).	۱۲-
صبوری مرد به لباسی تشبیه شده که خشم آن را پرده دری می‌کند و او را به رسوایی می‌کشد. دارای ایجاز- تضاد- موازنه.	صفات نیک انسان به وسیله این خصلت‌ها باطل می‌گردند: ۱- صبوری مرد با خشم از بین می‌رود. ۲- غم سبب نابودی عقل و نحیفی تن می‌شود. ۳- جنگ مداوم	پنج چیز، همه اوصاف ستوده را باطل گرداند: خشم، حلم مرد را در لباس تهتک عرضه دهد و علم او را در صیغت جهل فرامی‌نماید؛ غم، عقل را بپوشاند و تن را نزار کند؛ کارزار دایم در مصاف-ها نفس را به فنا سپارد؛ گرسنگی و تشنگی جانوران را ناچیز کند (۳۸۸).	۱۳-



	سبب نابودی نفس می گردد. ۴-گرسنگی و تشنگی مداوم سبب بدخلقی خواهد شد.		
علم به لباسی تشبیه شده که عیوب انسان به کمک آن پوشیده می شود- ایجاز.	دوری عاقلان از شش کس: ۱- از مشورت با افراد بدون علم. ۲- کم حوصله ای که حوصله کارهای بزرگ را ندارد. ۳- دروغگویی که به اندیشه خود مغرور است. ۴- حریصی که مال را بر تن ترجیح می دهد. ۵- ضعیفی که راه دوری را برای مسافرت انتخاب می کند. ۶- شاگرد خودبینی که استاد اخلاق او را نپسندد.	۱۴- خردمندان را با شش کس آشنائی نتواند بود: یکی آن که مشورت با کسی کند که از پیرایه علم عاطل است؛ و خرد حوصله ای که از کارهای شایگانی تنگ آید؛ و دروغ زنی که به رأی خود إعجاب نماید؛ و حریصی که مال را بر نفس ترجیح دهد؛ و ضعیفی که سفر دور دست اختیار کند؛ و خویشتن بینی که استاد و مخدوم سیرت او نپسندد (۳۸۸).	
در جملات ایجاز به حذف صورت گرفته و ذهن را به تلاش وا می دارد که قسمت حذف جملات را خودش دریابد. - دارای فصاحت و بلاغت.	آزمایش افراد مختلف در جاهای مختلف صورت می گیرد و درستی و نادرستی کار آنان مشخص می گردد: ۱- کسی که ادعای شجاعت می کند پهلوانی او در میدان جنگ سنجیده می شود. ۲- گندم کار در کشاورزی ۳- سرور در ضجرت و دلتنگی. ۴- بازرگان و تاجر در موقع حساب ۵- دوستان در موقع	۱۵- ده تن را بشاید آزمود: یکی شجاع را در جنگ؛ و یکی بزرگر را در کشاورزی؛ و مخدوم را در ضجرت؛ و بازرگان را در حساب؛ دوست را در وقت حاجت؛ اهل را در آیام نکبت؛ زاهد را در إحراز ثواب؛ فاقه زده را در درویشی را به صلاح عزیمت؛ و کسی را که به ترک مال و زنان گفت از سر قدرت در خویشتن داری (۳۸۹).	



	<p>نیازمندی ۶-زن در موقع بدبختی و نداری ۷-زاهد در هنگام به دست آوردن ثواب ۸-درویش در هنگام قصد به انجام کارهای نیک ۹- تارک مال و زن در هنگام خویشتن داری بر خویش.</p>	
<p>بین مذکور- مشهور- صبور سجع متوازی وجود دارد و واج آرایبی و خوش آهنگی کلمات نیز مشهود است.</p>	<p>شرایط تربیت و ترشیح: ۱- پاکیزگی معنوی و مادی اسلاف(وراثت). ۲- مستعد بودن دانش آموزان.</p>	<p>۱۵- و صفت ورع آن گاه جمال گیرد که اسلاف به نزاهت و تعفّف مذکور باشند و به صیانت و تقشّف مشهور؛ و هرگاه سلف را این شرف حاصل آمد و صمت انتمای خلف بدیشان از وجه عفتّ والده ثابت گشت، و هنر ذات و محاسن صفات، این مفاخر را بیاراست، استحقاق سعادت و استقلال ترشیح و تربیت روشن شود. و اگر در این شرایط شبهتی ثابت شود البتّه نشاید که در معرض محرمیت افتد و در اسرار ملک مجال مدافعت یابد که از آن خللها زاید و اثر آن به مدت پیدا آید و مضرتّ بسیار به هر وقت در راه باشد و به هیچ تأویل منفعتی صورت نبندد(۳۹۸).</p>
<p>بین تربیت و ترتیب جناس قلب بعض- بین مراتب ترشیح و مدارج تقریب سجع متوازن. جمله به یک تگّ به طوس نرود کنایه از این که طی مدارج یک مرتبه و بدون طی مراحل</p>	<p>حاکمان باید به اطرافیان و پرورش یافتگان خویش که از آنها شناخت دارند مسؤولیت بدهند. و داشتن پاکدامنی در اسلاف و خود شخص در تعلیم و تربیت مهم است؛ و اگر کسی از</p>	<p>۱۶- و ملوک را نیز همّت باشد که پروردگان خود را کار فرمایند و اعتماد بر ابنای دولت خویش مقصور دارند. ... اما این باب آن گاه ممکن تواند بود که عفاف مورث و مکتسب جمع باشد و حلیت فضل و برائت حاصل. ... و چون کسی بدین اوصاف پسندیده متحلّی بود و از بوتّه امتحان بدین نسق که تقریر افتاد مُخلّص بیرون آمد و اهلیت</p>



<p>صورت نگیرد(کنایه از لاف زنی نیز هست). از تمثیل پزشک برای اثبات سخن خود استفاده می کند و می گوید که همان گونه که پزشک کم کم و با شناخت دلایل و نشانه ها به بیماری مریض پی می برد و درمان می کند؛ دادن مدارج نیز باید پلکانی صورت بگیرد و آلا درمان یک مرتبه و دادن مدارج دفعی، باعث تباهی مریض و فساد در کار می شود.</p>	<p>عهده تعلیم و تربیت بیرون آمد، دادن مدارج به وی پلکانی صورت بگیرد نه یک دفعه.</p>	<p>درجات از همه وجوه محقق گشت در تربیت، ترتیب هم نگاه باید داشت و به آهستگی در مراتب ترشیح و مدارج تقریب بر می کشد تا در چشمها درآید و حرمت او به مدّت در دلها جای گیرد، و به یک تگک به طوس نرود، که بگسلد و طاعنان مجال وقیعت یابند. و پوشیده نماند که اگر طبیب به نظر اول بیماری را علاج فرماید زود کالبد پردازد، و همانا که به شربت دوم حاجت نیفتد. لکن طبیب حاذق آنست که از حال ناتوان و مدّت بیماری و کیفیت علت استکشافی کند و نبض بنگرد و دلیل بخواهد و پس از وقوف بر کلیات و جزویات مرض در معالجت شرع پیوندد و در آن ترتیب نگاه دارد(۴۰۲).</p>
--	---	---

یافته های پژوهش

مفاهیم تعلیم و تربیت از نگاه نصرالله منشی مجموعه ای است از شاخصه های صفات نیک اخلاقی، جامع نگری، تعهد و تلاش، مدیریت زمان، تعامل و ارتباطات، حفظ ارزش های انسانی، انسان شناسی، خرد گرایی، عمل گرایی، تدابیر انگیزشی، تداوم و ممارست، رعایت اعتدال، مشارکت و همبستگی که یک مربی با تلفیق آنها می تواند در جهت رشد و تعالی زیرمجموعه خویش و همچنین کارایی و بهره وری سازمانی گام بردارد.

در بخش پایانی بر پایه مفاهیم و مولفه های گردآوری شده، گزاره های زیر به دست آمده است. این گزاره ها از تلفیق چند مفهوم یا بیان روابط چند متغیر ساخته شده است:

گزاره های به دست آمده

ردیف



<p>از دیدگاه نصرالله منشی، تجربه و تخصص در امر تعلیم و تربیت لازمه موفقیت است؛ بنابراین در اجرای فعالیت‌های تربیتی و آموزشی باید افراد با تجربه و متخصص در صدر امور باشند.</p>	-۱
<p>نصرالله منشی معتقد است که هر دوره از دوران زندگی انسان (رده‌های مختلف سنی) در تأثیرپذیری از تعلیم و تربیت نقش دارند، اما دوران کودکی بیشترین تأثیر را دارد.</p>	-۲
<p>یکی از مهم‌ترین اصول تربیتی در اندیشه منشی اینست که مریدان باید بدان‌چه می‌گویند ایمان داشته باشد، هم‌چنین گفتار و رفتارشان با یکدیگر هماهنگ و موافق باشد.</p>	-۳
<p>توجه به استعداد ذاتی افراد. وی معتقد است که استعداد ذاتی و محیط باید همسو باشند تا تأثیرگذار باشند.</p>	-۴
<p>نوع دوستی یکی از راه‌های صحیح در تعلیم و تربیت است.</p>	-۵
<p>یکی دیگر از اصول تربیت این است که انسان باید ابتدا به عیوب خویش پردازد و سپس در صدد تعلیم و تربیت دیگران باشد تا مورد سرزنش قرار نگیرد.</p>	-۶
<p>صبر و تحمل‌پذیری در مسیر تعلیم و تربیت مهم است.</p>	-۷
<p>به هیچ وجه نباید از روی ظاهر به کسی بی‌احترامی یا تحقیر نمود زیرا این رفتار تأثیر نامطلوبی در تربیت می‌گذارد.</p>	-۸
<p>تنبیه و مجازات باید به موقع و به جا صورت گیرد.</p>	-۹
<p>توجه به تغییر ناپذیری ذاتی بعضی افراد، بی‌تأثیری تربیت در افراد نااهل.</p>	-۱۰
<p>حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی.</p>	-۱۱
<p>تربیت باید از دوران کودکی آغاز شود زیرا تأثیرگذارتر است.</p>	-۱۲
<p>اعتدال در رفتار و گفتار.</p>	-۱۳



۱۴-	در بیان پند و نصیحت باید مخاطب خویش را شناخت و کسی که صداقت ندارد تربیت در آن سودمند نیست.
۱۵-	عیب پوشی متعلمان و افشا نکردن عیوب آنان.
۱۶-	مربیان واقعی کسانی هستند که با تعهد و وظیفه شناس در جهت و راهنمایی گمراهان گام بردارند.
۱۷-	مربیان در خصوص نصیحت و انتقاد دیگران، حسن نیت و نگرش مثبت داشته باشند و آن را گامی در جهت رشد و اصلاح خویش بدانند.
۱۸-	مربی واقعی کسی است که در نهایت خشم و عصبانیت بتواند خود را کنترل کند و سخنان ناپسند به دیگران نگوید.
۱۹-	سپردن کارها به افراد کاردان و متخصص.
۲۰-	استعدادهای افراد، بدون فراهم کردن شرایط و محیط مناسب شکوفا نمی شود.
۲۱-	تذکر و موعظه گاهی مستقیم و قاطع، و گاهی به شکل غیر مستقیم و ملایم بیان شود.
۲۲-	مربیان در هر جایگاهی که هستند باید با نوع دوستی، صداقت، تواضع و فروتنی، عیب پوشی، کنترل خشم، ضمن کسب نیک نامی؛ منزلت و مقبولیت خویش را نزد دیگران ارتقاء دهند.
۲۳-	استفاده از علایق و تمایلات ذهن مخاطبان، نقش مهمی در اثرگذاری بیشتر کلام و فهم مخاطب دارد. در واقع یک مربی خوب باید بداند که با هر شخصی باید با زبان خودش سخن گوید.



نتیجه گیری

در پایان می‌توان بیان کرد که مفاهیم تربیتی در کلیله و دمنه به تعداد ۴۹ مفهوم و در قالب ۱۶ مؤلفه گردآوری شد. و بر مبنای مفاهیم و مؤلفه‌های مستخرج شده می‌توان دریافت که ادبیات و علوم تربیتی با هم ارتباط مستقیم و همسو دارند و از ادبیات می‌توان بهتر در تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش بهره جست به شرط آن که مفاهیم تربیتی بیان شده در آن ساختارمند شود و مسائل تربیتی آن به وضوح بیان گردد. و به اضافه اینکه با واکاوی مفاهیم تربیتی در علوم ادبی مثل کلیله و دمنه می‌توان به این نتیجه رسید که: ۱- از گذشته تاکنون، علوم ادبی در خدمت انتقال مفاهیم علوم تربیتی بوده‌اند پس نیاز دارد که این علوم را از حوزه نظری خارج و بیشتر آن را کاربردی نمود و در خدمت آموزش قرار داد. ۲- روش‌های تعلیم و تربیت از آموزش مستقیم و حفظیات و زبان عادی باید روی به روش غیر مستقیم و اندیشیدن و زبان ادبی چرخانده شود. ۳- تعلیم و تربیت کودکان با ادبیات داستانی و نمایشی، بهتر ممکن خواهد شد. ۴- علوم ادبی گنجینه‌ای از فرهنگ ایرانی-اسلامی هستند که می‌توان با جستجو به کارگیری مفاهیم تربیتی آن در امر آموزش و پرورش، جامعه آرمانی و مدینه‌ای فاضله به وجود آورد.



منابع

- آزادی، محمد کریم، ۱۳۷۳، تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی، تهران، راهگشا
- بصیری، محمدصادق و انزلی، گلناز، روش‌های تعلیم و تربیت در متون ادب فارسی، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، شماره ۱۵، بهار ۱۳۹۱، ۶۷-۹۷
- زهدت، بهمن و نظریانی، عبدالناصر و حسینیایی، یحیی، مؤلفه‌های تعلیم و تربیت مطلوب در گلستان سعدی، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۳۵۹، زمستان ۱۳۹۶، ۱۱۹-۱۴۲
- توسلی، طیبه، مفهوم تربیت از دیدگاه شاعران، ادیبان و اندیشمندان زبان فارسی، مجله اندیشه‌های نوین مدیریتی، شماره ۳۳، بهار ۱۳۸۶، ۱۳۷-۱۵۵
- شکوهی، غلامحسین، ۱۳۶۱، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد، آستان قدس رضوی
- سروری، محمدحسین، نظریات تربیتی سعدی در سیستم جدید آموزش و پرورش، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تبریز، شماره ۴۷، پائیز ۱۳۴۷، ۴۹۶-۵۰۴
- پاشایی، کامران و عادل زاده، پروانه، ۱۳۹۱، بررسی جایگاه مدیریت در متون ادب فارسی، چاپ ۱، تبریز، مولا علی
- کاردان، علی محمد، تربیتی و مطالعات میان‌رشته‌ای رابطه علوم تربیتی با فلسفه، مجله پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۵، پائیز و زمستان ۱۳۷۸، ۱۳-۳۶
- غزالی، ابوحامد، ۱۳۶۸، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیو جم، چاپ ۲، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- منشی، نصرالله، ۱۳۸۴، ترجمه کلیله و دمنه، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی تهرانی، چاپ بیست و هفتم، تهران، امیرکبیر



Investigating educational concepts in literary sciences Based on Kalila and Demeneh

Moslem Mozaffari

Visiting lecturer of Payam Noor University, Kohnouj branch

Abstract

One of the issues worth thinking about in the field of education is the study of educational issues in literary books; that these books have conveyed moral and educational concepts to their audience through stories, proverbs and other literary elements. And the book of Kalilah and Demaneh is one of the books in which the educational components are clearly evident throughout. And about the concepts of education and training in books like these, it can be said that: 1- Many teachings of Islamic-Iranian culture are hidden in literary sciences, and these books are considered the best option for education, especially national culture. Future. 2- Human educational growth and excellence and the creation of an ideal city and the spirit of vitality and organizational solidarity and the improvement of human characteristics will be better with the help of literary sciences. 3- Children's education will be easier with dramatic literature and with the help of animal language. 4- Fictional language is actually the best language and an indirect and effective way to convey concepts to teachers. The main foundations of educational theories including 49 concepts with open coding, and in the form of 16 components with axial coding have been completed. This article is one of the interdisciplinary researches in the field of education and training, which was carried out using a qualitative analytical method.

Key words: educational indicators, literary sciences, Kalileh and Demeneh.